پس به همه گفت: «اگر کسی بخواهد مرا پیروی کند می‌باید نفس خود را انکار نموده، صلیب خود را هر روزه بردارد و مرا متابعت کند».

لوقا ۹: ۲۳

قدوسیت و پرهیزکاری

اگر شما گیج شده‌اید که منظور من از باخدا بودن، قدوسیت و پرهیزکاری چیست، برای‌تان توضیح خواهم داد. منظور من زندگی و قلبی است که مشخصه اصلی آن فروتنی و تواضع است. شخص با خدا هرگز خودستایی نمی‌کند و اهل نمایش دادن نیست. شخص با خدا هرگز در اعمالی مذهبی شرکت نمی‌کند که به ذات الهی بی‌احترامی می‌کند. هیچ‌گاه عنوان دنج و راحت که این روزها درباره خداوند و مسیح استفاده می‌شود بر لبانش جاری نمی‌شود و همواره برای توصیف خداوند محترمانه صحبت می‌کند. هرگز به گروه‌هایی که شعرهای پرستشی سَبُک، بی‌مایه، فکاهی یا بی‌ادبانه در وصف خدا می‌سرایند ملحق نمی‌شود بلکه همیشه روحی بی‌ریا و صمیمی را پروش می‌دهد و درباره خداوند با لحنی موقّر و محترمانه صحبت می‌کند.

همچنین منظور من جدایی از دنیا و تعلق به خداوند در همه ابعاد زندگی و با تعهدی فسخ ناشدنی است. یک شخص مقدس به دنیا غبطه نمی‌خورد، به دنبال شبیه شدن به آن و یا تأیید شدن توسط آن نیست. شهادت همیشگی او این است که « دنیا برای من مصلوب شد و من برای دنیا». او برای لذت در زندگی به دنیا وابسته نیست بلکه همواره نگاهش به بالا و لذتی است که غیرقابل توصیف و پرجلال است!

در کل هر عمل حقیقی خداوند در کلیسا منجر به تقویت روح پرستش و افزایش احترام و پرهیزکاری بنیادی مسیحی می‌شود، انسان را به شباهت مسیح درمی‌آورد و از گناهان بسیاری که پیش از آن حتی از گناه بودنشان اطلاعی نداشته، رها می‌سازد. توجه آنان را از گرفتاری‌های دنیوی برمی‌دارد و تمرکز را بر چیزهای آسمانی و متعال قرار می‌دهد.

## ای پدر آسمانی، کمکم کن تا زندگی‌ای سرشار از پرهیزکاری و تقوا داشته باشم و هیچ چیز دیگر برایم مهم نباشد تا بتوانم آزادی و شراکت با تو را تجربه کنم. آمین!

*برگرفته از آثار W. A. Tozer*